


Future Scenarios for the effects of emerging movements on the Islamic Republic of Iran in the fifth decade

Saeid Pourvali asl gharibeh* 

Masters degree in Sociology of the Islamic Revolution, Sahed University, Tehran, Iran.
S.pourvali0098@gmail.com

Mohammadrahim Eivazi 

Professor of the Future Studies Department, Faculty of Governance, University of Tehran.
Iran .m.eivazi@ut.ac.ir

Abstract

Objective: In the present study, the subject of scenarios of the effect of emerging movements on the Islamic Republic of Iran in the fifth decade of the Islamic Revolution was studied with the aim to Identify future studies about the most important emerging movements in Iranian society and the effects of these movements that will be happened in the fifth decade of the Islamic Revolution in form of the scenarios.

Method: Semi-structured interviews with elites as well as the new scenario method (critical uncertainties) were used to achieve the goals by document analysis research method.

Findings: two cases of drivers (Democracy Movement and New Lifestyle Movement) which were more important according to the elites, were selected by recognition of the drivers and the existing uncertainties which four scenarios were proposed.

Conclusion: according to the uncertainties in relation to each of the drivers that two scenarios refers to making important and fundamental changes by drivers and two scenarios refers to the control of the consequences of these drivers by the system of the Islamic Republic.

Keywords: Emerging Movements, Scenario, Islamic Revolution, Islamic Republic.

Cite this article: Pourvali asl gharibeh, Saeid. Eivazi, Mohammadrahim.(2024) Future Scenarios for the effects of emerging movements on the Islamic Republic of Iran in the fifth decade ,Volume 9, NO.1 Spring & Summer 2024,32-55

DOI :10.30479/jfs.2023.17445.1407

Received on: 29 June 2022 Accepted on: 29 April 2023

Copyright© 2023, The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University

Corresponding Author/ E-mail: Saeid Pourvali asl gharibeh/ S.pourvali0098@gmail.com




فصلنامه آینده پژوهی ایران

شاپای چاپی: ۶۳۶۳-۲۴۲۳

شاپای الکترونیکی: ۷۶۲۶-۶۱۸۳




سناریوهای پیش‌روی تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران، در دهه پنجم انقلاب اسلامی

سعید پور ولی اصل قریبه 

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

S.pourvali0098@gmail.com

محمد رحیم عیوضی 

استاد گروه آینده پژوهی، دانشگاه حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران m.eivazi@ac.ir

چکیده

هدف: در پژوهش حاضر، موضوع سناریوهای تأثیر جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران، در دهه پنجم انقلاب اسلامی، با این هدف مورد مطالعه قرار گرفت که با رویکردی آینده‌پژوهانه، مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی نوظهور جامعه ایران مشخص شود و تأثیراتی که این جنبش‌ها در دهه پنجم انقلاب اسلامی بر جامعه ایران خواهند داشت، در قالب سناریو مطرح شود.

روش: از روش پژوهش تحلیل اسناد، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با نخبگان و نیز روش سناریونویسی (عدم قطعیت-های بحرانی) برای تحقق اهداف استفاده شد.

یافته‌ها: با شناسایی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های موجود، دو مورد از پیشران‌ها (جنبش دموکراسی‌خواهی و جنبش سبک‌های جدید زندگی) که بر اساس نظر نخبگان، حائز اهمیت بیشتری بودند، انتخاب شدند و بر حسب عدم قطعیت‌های موجود، درباره هر کدام از پیشران‌ها، در مجموع چهار سناریو مطرح شد.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، از میان چهار سناریوی مطرح شده، دو سناریو بر ایجاد تغییرات مهم و اساسی توسط پیشران‌ها و دو سناریو نیز بر کنترل پیامدهای ناشی از این پیشران‌ها، توسط نظام جمهوری اسلامی اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی: جنبش‌های نوظهور، سناریو، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی.

✉ استناد: پورولی اصل قریبه، سعید. عیوضی، محمد رحیم. (۱۴۰۳) سناریوهای پیش‌روی تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران، در دهه

پنجم انقلاب اسلامی

دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۳۲-۵۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۲/۹

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

در پنجمین دهه از حیات انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی با جنبش‌های اجتماعی متعددی روبه‌رو است که در دل جامعه ایران جریان دارند. برخی از این جنبش‌ها، در سطحی محدود، برخی متوسط و برخی در سطحی کلان و بسیار مهم در حال وقوع‌اند. جنبش اجتماعی را نوعی آمادگی جمعی برای کنش که از طریق آن، برخی از انواع تغییرات کسب می‌گردد، برخی نوآوری‌ها پدید می‌آید یا برخی شرایط پیشین بازگردانده می‌شود، تعریف شده است؛ همین‌طور می‌توانیم جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان نوعی داد و ستد جمعی، جهت استقرار یک نظم جدید برای زندگی تعریف کنیم (king, 1986:27). در دنیای امروز، جنبش‌های اجتماعی نیز همپای سایر جنبه‌های حیات اجتماعی انسان‌ها، دستخوش تغییرات و تحولات عمیقی شده است؛ به‌گونه‌ای که در یک تقسیم‌بندی، از جنبش‌های کلاسیک، نوین و نوظهور سخن به میان می‌آید. جنبش‌های کلاسیک، بیشتر جنبش‌هایی با محوریت مبارزات طبقاتی یا مبارزات آزادی‌بخش بودند. این جنبش‌ها، بیشتر تلاش خود را بر تغییرات سیاسی در جامعه معطوف می‌ساختند. دسته دوم؛ جنبش‌هایی هستند که تحت عنوان جنبش‌های اجتماعی نوین شناخته می‌شوند. این جنبش‌ها، با اعتراضات دانشجویی دهه ۱۹۶۰م در اروپا به‌وجود آمدند. این جنبش‌ها، متأثر از رسانه‌های جمعی بودند و اهداف آن‌ها، بیش از آن که حول محور اقتصاد یا مسائل سیاسی سازمان یابد، معطوف به مسائل فرهنگی و موضوعاتی؛ همچون اخلاق، هویت، شیوة زندگی و موضوعاتی مشابه بود. این جنبش‌ها، رسالت خود را در ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه نمی‌دانند؛ بلکه به‌دنبال اصلاح ضعف‌های موجود در بخش‌های خاصی از نظام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه‌اند.

نوع سوم؛ جنبش‌های اجتماعی که تحت عنوان نوظهور شناخته می‌شوند، جدیدترین شق جنبش‌های اجتماعی‌اند که با عناوینی؛ نظیر جنبش‌های پست‌مدرن نیز نامیده می‌شوند. این جنبش‌ها، به‌شدت متأثر از فضای مجازی و شکل نوینی از ارتباطات‌اند که در بستر این فضا شکل گرفته است. در شکل‌گیری و تداوم این جنبش‌ها، شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، نقشی اساسی و محوری دارند و حیطه اصلی کنش‌گری این جنبش‌ها نیز فضای مجازی است. این جنبش‌ها، فاقد رهبری مشخص و ساختار و سازمان‌دهی منسجم‌اند و برخلاف جنبش‌های پیشین، مبتنی بر ایدئولوژی، ضوابط و چهارچوب‌های

معینی نیستند؛ همه کنشگران در این جنبش‌ها، می‌توانند الهام‌بخش و راهبر بوده و محتوای متناسب با اهداف جنبش را تولید کرده و بر سایرین اثرگذار باشند. این جنبش‌ها، پس از حصول نتایج مطلوب یا خارج شدن از درجه اهمیت، به همان سرعتی که فراگیر شده بودند، از میان می‌روند و معمولاً دیرپا نیستند.

امروزه، جامعه ایران با شکلی از جنبش‌های اجتماعی مواجه است که با وجود این که در تقسیم بندی جنبش‌های اجتماعی، ذیل جنبش‌های نوظهور تعریف می‌شوند، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد محتوایی‌اند. جامعه ایران، به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، با وجود این که بیش از یک قرن و نیم است که تلاش می‌کند تا از موانع تاریخی، فرهنگی و استعماری عبور کرده و جامعه مطلوب خود را بسازد، درگیر موانع و مشکلات جدی بوده است که برخلاف وقوع دو انقلاب و جنبش‌های اجتماعی متعدد، این امر تا به امروز به‌طور کامل محقق نگردیده است. بنابراین، امروزه شاهدیم که برخی از جنبش‌های اجتماعی جامعه ایران، با وجود این که جنبشی کلاسیک یا نوین بوده و مربوط به دوره این جنبش‌ها هستند، همچنان در جامعه ایران تداوم داشته و با ابزارهای ارتباطی جدید و شرایط روز، خود را تطبیق داده و شکلی نوظهور یافته‌اند.

جنبش‌های اجتماعی نوظهور، تأثیرات ژرف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر جوامع دارند. این جنبش‌ها، از طریق فضای مجازی، ضریب نفوذ بسیار بالایی دارند و در مدت‌زمان کوتاهی می‌توانند خواسته‌های خود را به گوش همگان برسانند و خیل عظیمی را برای کنش‌گری در فضای مجازی و یا حتی فضای حقیقی بسیج نمایند و زمینه را برای تغییرات اجتماعی فراهم سازند. از این رو، بررسی تأثیرات احتمالی این جنبش‌ها، بر جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد. از آنجا که آینده، مجموعه‌ای از عدم قطعیت‌هاست، محدود ساختن آن به یک برهه زمانی در حصول نتایج قابل استناد، امری ضروری است. از همین رو، در این پژوهش، مطالعه دامنه اثرگذاری جنبش‌های اجتماعی نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران، به دهه پنجم انقلاب اسلامی محدود شد.

بنابر آنچه ذکر شد؛ مسئله اصلی این پژوهش، «بررسی تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی» است که برای ترسیم این تأثیرات در بستر آینده، از سناریوپردازی استفاده می‌شود و سؤال اصلی این پژوهش این است که جنبش‌های نوظهور، چه تأثیراتی بر جمهوری اسلامی ایران، در طی دهه پنجم انقلاب اسلامی خواهند داشت؟

۱. پیشینه و چهارچوب نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر تلاش می‌کند، جنبش‌های نوظهور جامعه ایران را شناسایی نموده و بر اساس یافته‌ها، در رویکردی آینده‌پژوهانه، سناریوهای محتمل پیش‌روی آن‌ها را طرح نماید. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جنبش‌های اجتماعی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و نقش و تأثیر فضای مجازی در جنبش‌های اجتماعی که از برخی جنبه‌ها، شباهت‌هایی به پژوهش حاضر داشتند، به‌عنوان پیشینه پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سردارنیا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای علمی - پژوهشی، با عنوان «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)»، به بررسی نقش فضای مجازی و اینترنت در جنبش‌های جدید و تفاوت ماهوی این جنبش‌ها، با جنبش‌های اجتماعی پیشین پرداخته و دریافته است که بهره‌گیری از اینترنت و فضای مجازی، تا حد زیادی موجب افزایش انسجام درون جنبش در میان اعضا و رهبران جنبش شده و در ایجاد ائتلاف میان جنبش‌ها مؤثر بوده است. عیوضی (۱۳۹۳) در کتاب «تحلیلی بر چهارچوب مطالعات آینده انقلاب اسلامی ایران»، تلاش نموده است تا سناریوهای محتمل پیش‌روی انقلاب اسلامی را با توجه به مسائل بین‌المللی و نوظهور ترسیم نماید. در این کتاب، نویسنده به مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی و سناریوهای مرتبط با آینده مسائل ایران و جهان پرداخته است. رهبری (۱۳۹۳) در کتاب «بررسی جنبش‌های اجتماعی کلاسیک، مدرن و پست مدرن»، ماهیت انواع جنبش‌های اجتماعی را بررسی نموده و به تفصیل توضیح داده است. در این کتاب، جنبش‌های اجتماعی به سه دسته کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن تقسیم شده‌اند. جنبش‌های کلاسیک، به جنبش‌های اجتماعی جوامع پیشامدرن، جنبش‌های مدرن به جنبش‌های اجتماعی عصر مدرن، صنعتی و جنبش‌های اجتماعی پست‌مدرن، به نوعی از جنبش‌های اجتماعی اشاره دارد که در عصر پسا صنعتی و تحت تأثیر عواملی؛ نظیر گسترش ارتباطات و جهانی شدن قرار دارد. مظهرنیا (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «آینده رسانه‌ها و نقش آن‌ها در جنبش‌های نوین اجتماعی»، تصویری از آینده رسانه‌ها، رسانه‌های آینده و سناریوهای تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر جنبش‌های اجتماعی ارائه نموده است. جلایی‌پور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای علمی - پژوهشی، تحت

عنوان «لایه‌های جنبشی جامعه ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی»، به بررسی اکتشافی از پویایی‌های جامعه ایران با تمرکز بر جنبش‌های اجتماعی پرداخته و دریافته است که جامعه ایران، مستعد وجود جنبش‌های بسیاری است و عقلایی‌ترین مسیر در رویارویی با آن‌ها، تخلیه مطالبات از طریق گشایش‌های اجتماعی و سیاسی است. قاسمی (۱۳۹۰)، در مقاله علمی - پژوهشی خود با عنوان «جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران»، بر خواسته اساسی که جنبش‌های اجتماعی مختلف جامعه ایران بر آن اتفاق نظر دارند، پرداخته و در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که دموکراسی خواهی، نقطه ثقل جنبش‌های اجتماعی در ایران و فصل مشترک همه آن‌هاست. آنچه این پژوهش را از آثار نامبرده متمایز می‌کند، تأکید بر نقش جنبش‌های اجتماعی نوظهور در شکل‌دهی به آینده جمهوری اسلامی ایران است. با وجود این که برخی از این آثار، رویکرد آینده‌پژوهشی دارند، اما جنبش‌های نوظهور را مد نظر قرار نداده‌اند. آن دسته از پژوهش‌ها نیز که به جنبش‌های اجتماعی، به‌طور کلی و جنبش‌های نوظهور، به‌طور اخص پرداخته‌اند، فاقد رویکردی آینده‌پژوهانه‌اند.

۲-۱. چهارچوب مفهومی

با توجه به نوع و رویکرد پژوهش حاضر، مفاهیمی به‌کار گرفته شده‌اند که سازنده شاکله و بنیان این پژوهش‌اند. یکی از اصلی‌ترین مفاهیم، جنبش‌های اجتماعی نوظهور است. جنبش‌های اجتماعی، آن نوع رفتار جمعی هستند که مابین انواع رفتارهای «بروکراتیک» و «انقلابی» قرار می‌گیرند. با این ویژگی که از اولی کمتر و از دومی بیشتر سازمان‌دهی شده‌اند. همچنین، جنبش‌ها از رفتارهای جمعی بدون سازمان (و غیرهدفمند) مانند شورش‌های خیابانی فاصله می‌گیرند. پس منظور از جنبش‌های اجتماعی، آن نوع رفتار جمعی است که دارای سازمان‌دهی است و عده زیادی از افراد، از طریق آن در پی تحقق هدف یا اهدافی هستند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۹، ۳۰). البته تعریف جنبش اجتماعی، مانند هر پدیده انسانی و اجتماعی دیگری، وابسته به زمان و مکان است. وجود شکل خاصی از جنبش‌های اجتماعی در یک دوره زمانی خاص یا در محیط اجتماعی خاصی، سبب شکل‌گیری تعاریفی می‌شود که متناسب با آن موقعیت باشد. امروزه نیز با توجه به گسترش اینترنت و فضای مجازی، بخشی از کنشگری افراد به این فضا منتقل شده است. رسانه‌های اجتماعی، با اتکا به فناوری‌های مبتنی بر وب

و تلفن همراه (موبایل)، پلتفرم‌هایی با قابلیت تعاملی بالا ایجاد می‌کنند که در آن‌ها، افراد و اجتماعات به تولید، اشتراک‌گذاری، بحث و تبادل نظر و تغییر محتوای تولید شده توسط کاربر می‌پردازند (Kietzmann, 2011:241). بنابراین، در تعریف جنبش‌های اجتماعی نوظهور، فضای مجازی یکی از ارکان مهم است؛ در حالی که در تعاریف پیشین ارائه شده از جنبش‌های اجتماعی؛ از جمله در جنبش‌های کلاسیک و نوین، اشاره‌ای به فضای مجازی نمی‌شود.

جنبش‌های نوظهور، ریشه در فضای مجازی دارند و مولود این فضای ارتباطی جدیدند. این جنبش‌ها، خاصیتی غیرایدئولوژیک و گفتمان‌محور دارند و در فضای جامعه مدنی شکل گرفته و گسترش می‌یابند. با وجود این که دوام آنچنانی ندارند؛ اما استراتژی مشخص و برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای پیشبرد اهداف خود دارند و معمولاً پس از حصول اهداف، خود به خود از بین می‌روند. این نوع جنبش‌ها، بیشتر به دنبال تغییر هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مسلط در جامعه هستند (پورولی، ۱۴۰۱: ۲۳).

از دیگر مفاهیم مهم به کار برده شده، آینده‌پژوهی است. با توجه به این که مسأله اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیرات جنبش‌های اجتماعی نوظهور، مؤثر بر جمهوری اسلامی ایران در بستر آینده است؛ لذا ارائه تعریف عملیاتی از این مفهوم، ضروری است. آینده‌پژوهی را می‌توان به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای دانست. مطالعات آینده‌پژوهی، با بهره‌گیری از تکنیک‌های پژوهش کمی و کیفی، تصویری کلی از مسائل، رخدادها و عدم قطعیت‌های آینده را در اختیار سیاستمداران، مدیران، برنامه‌ریزان و صاحبان کسب و کارها قرار می‌دهد تا از غافلگیری آن‌ها در رویارویی با مسائل جدید بکاهد و زمینه را برای برنامه‌ریزی و آمادگی جهت مواجهه با مسائل نوظهور و عدم قطعیت‌ها مهیا سازد. آینده‌پژوهی فرایندی نظامند، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیم‌های روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. مهم‌ترین کارکرد آینده‌پژوهی را می‌توان تعیین جهت، شناسایی روندهای نو آینده، سازگارسازی اهداف یا نیازهای شناخته شده، حمایت و ارتقای تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های هماهنگ با ترجیحات ذینفعان، ارتقای ارتباطات خارجی با کاربران پژوهش و آموزش و سرانجام، تعیین اولویت‌ها دانست (خدایی، الهی دهقی، ۱۳۹۱: ۵).

از جمله روش‌های مهم و کاربردی در مطالعات آینده، به‌ویژه آینده‌پژوهی سیاسی و اجتماعی، بهره‌گیری از سناریوهاست. سناریوها، ابزاری برای ترسیم محتمل‌ترین رویدادهای آینده، بر حسب پیش‌بینی‌ها و عدم قطعیت‌ها هستند. از مهم‌ترین تکنیک‌ها در مطالعات آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. سناریو، به تصویر کشیدن احتمالات آینده و تحلیل و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده است. در واقع، آن‌ها مجموعه‌ای از داستان‌های توصیفی هستند که هر یک به بخش خاصی از آینده نظر دارند. هدف یک سناریو، دستیابی به محتمل‌ترین آینده و یا محتمل‌ترین مسیر از میان راه‌های پیچیده نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از متغیرها، اتفاق‌ها، پویایی سیستم و پیامدهای آن‌ها است و در انتخاب یک سیاست درست، برای رسیدن به هدف مهم، تدوین سناریو، گام نخست است (عیوضی، فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۷۷).

۲. جنبش‌های اجتماعی در ایران:

در یک تقسیم‌بندی، جنبش‌های اجتماعی، به کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن تقسیم می‌شوند (رهبری، ۱۳۹۳). در مطالعه جنبش‌های اجتماعی، طیف مدرن و پست‌مدرن (نوظهور)، حائز اهمیت بیشتری است و لازمه ورود به پژوهش، در باب جنبش‌های پست‌مدرن، شناخت جنبش‌های اجتماعی مدرن است. آغاز مدرنیته در ایران، با عصر قاجار و جنگ‌های ایران و روسیه گره خورده است. در واقع نخستین جنبش‌های اجتماعی مدرن در ایران، پس از این جنگ‌ها و در اثر تأثیرات اجتماعی آن شکل می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی مدرن ایران، جنبش تجددخواهی است. این جنبش، در نتیجه برخورد نابهنگام و ناخواسته ایران و تمدن جدید اروپا رخ داد. در جریان جنگ‌های ایران و روسیه، با توجه به شکست‌های سخت و تحمیل قراردادهای ننگین، ایرانیان، ضرورت تجدد را احساس کردند و به این ترتیب، جنبشی شکل گرفت که زمینه‌ساز جنبش‌های اجتماعی دیگر در ایران شد.

یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی که جامعه ایران تاکنون تجربه کرده است، جنبش مشروطه‌خواهی است که در نهایت منجر به تغییرات انقلابی در ایران گردید. این جنبش، در اثر دو عامل داخلی و خارجی عمده رخ داد. عوامل داخلی، ریشه در تهدید منافع سنتی برخی گروه‌های اجتماعی داشت که اقدامات دولت قاجار، موجب به خطر افتادن آن‌ها شده بود. همین تهدید منافع،

زمینه تحصن‌ها و بست‌نشینی‌ها را فراهم ساخت و عدم پاسخ مناسب از جانب حکومت، منجر به رادیکال‌تر شدن آن و ارتباط یافتن با خواسته‌های روشنفکران شد. عامل خارجی دخیل در شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواهی، عقاید و فلسفه‌های جدیدی بودند که در جهان غرب ساخته و پرداخته شده بود و طبقه روشنفکر ایران، حامل و مدافع آن بودند. ترکیب عقاید روشنفکران با نارضایتی‌های گروه‌های اجتماعی مختلف، در نهایت منجر به جنبشی انقلابی شد که ساختار حکومت و نهادهای اجتماعی سنتی ایران را دستخوش تحول نمود.

مهم‌ترین جنبش اجتماعی که جامعه ایران از زمان رویارویی با غرب جدید و حرکت به سوی مدرنیته تجربه کرده است، جنبش اسلامی ضداستبدادی است. جنبش اسلامی ضداستبدادی، به‌عنوان یک جنبش انقلابی، در راستای تلاش‌های روشنفکران، روحانیون و توده‌هایی به ثمر نشست که نیاز به تغییرات انقلابی در جامعه ایران را برای بازگشت به خویشتن تاریخی و فرهنگی درک کرده و بر تضادها، تناقض‌ها و ضعف‌های موجود در جامعه خود، آگاهی یافته و در صدد جبران بودند. این جنبش، ریشه در تعالیم شیعی و فرهنگ غنی هزاران ساله ایران دارد که در مواجهه با هجوم همه جانبه غرب، میان هضم شدن در فرهنگ غرب یا دور ماندن از پیشرفت‌های دنیای جدید راه سومی برگزید (پورولی، ۱۴۰۱: ۴۵). انقلاب اسلامی، سال ۱۳۵۷ ه.ش و تلاش‌هایی که از آن زمان تا به امروز برای مقابله با نفوذ همه‌جانبه غرب شکل گرفته است و همچنین تلاش‌ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، ریشه در این جنبش اجتماعی دارد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. مهم‌ترین جنبش‌های نوظهور جامعه ایران

پیش از آن که به مهم‌ترین جنبش‌های نوظهور جامعه ایران پرداخته شود، ضروری است به این نکته اشاره گردد که در ایران، به دلیل عدم حصول نتایج مطلوب برای برخی از جنبش‌های اجتماعی که اهداف بنیادینی را دنبال می‌کردند، شاهد تداوم آن‌ها هستیم؛ تداومی که در برخی موارد، بیش از یک قرن به طول انجامیده است. این جنبش‌ها، امروزه از امکانات موجود بهره برده و حسب شرایط و روح حاکم بر زمان، خاصیتی مشابه با جنبش‌های نوظهور یافته‌اند. به‌طور مثال؛ جنبش دموکراسی‌خواهی، پیشینه‌ای به درازای مبارزات مشروطه‌خواهان دارد؛ اما همچنان در جامعه ایران

به‌عنوان جنبشی بسیار مهم در جریان است و اغلب حیطه عمل خود را به فضای مجازی منتقل کرده و در این فضا، خواسته‌های خود را مطرح ساخته و بر مخاطبان اثر می‌گذارد. بنابراین، مهم‌ترین جنبش‌های نوظهور جامعه ایران، صرفاً جنبش‌های مولود فضای مجازی نیستند؛ بلکه برخی از آن‌ها، جنبش‌هایی هستند که از گذشته وجود داشته و امروزه خود را با شرایط جدید وفق داده و شکلی نوظهور یافته‌اند. از جمله مهم‌ترین جنبش‌های نوظهور جامعه ایران، عبارت انداز: ۱. جنبش دموکراسی خواهی ۲. جنبش سبک‌های جدید زندگی ۳. جنبش زنان ۴. جنبش عدالت خواهی.

- جنبش دموکراسی خواهی:

«دموکراسی، حکومت جمعی است که در آن از بسیاری لحاظ، اعضای اجتماع به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در گرفتن تصمیم‌هایی که به همه آن‌ها مربوط می‌شود، شرکت دارند یا می‌توانند شرکت داشته باشند؛ اما بنیادی‌ترین پیش‌فرض دموکراسی، وجود اجتماعی است که دموکراسی ممکن است در آن به اجرا درآید» (کوهن، ۱۳۷۳: ۷۴). دموکراسی خواهی، از مهم‌ترین خواسته‌های ایرانیان در حدود یک قرن و نیم اخیر بوده است. ریشه‌های این جنبش را در نخستین مواجهه‌های جدی ایرانیان، با فرهنگ و تمدن جدید اروپا باید جست. آشنایی ایرانیان با تحولات اروپا در عصر قاجار و به‌ویژه پس از شکست‌های سنگین و تحمیل قراردادهای ننگینی؛ چون گلستان، ترکمن‌چای و آخال آغاز شد. در واقع جنگ‌های ایران و روس، زمینه‌ای برای پی بردن ایرانیان به ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌های تاریخی شد و از همین دوران، تلاش‌هایی برای غلبه بر این ضعف‌ها، عقب‌ماندگی و ریشه‌یابی آن‌ها آغاز گردید. طلب حکومت قانون و محدود شدن قدرت پادشاه بر اساس قانون اساسی؛ از جمله پیامدهای تلاش‌های نخبگان آن روزگار جامعه ایران برای غلبه بر ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌ها بود. پیدایش تفکر از میان برداشتن استبداد و پادشاهی مطلقه قاجارها، اولین جرقه‌های پیدایش جنبش دموکراسی خواهی در ایران بود. «در ایران، شروع گرایش به امواج دموکراسی خواهی به دوران انقلاب مشروطه بازمی‌گردد؛ ولی به دلیل عدم نهادینه شدن این مسئله و ضعف درونی ساختارها در کشور، راه به جایی نمی‌برد و اهدافی که در آن جنبش دموکراسی خواهی معنا شده بود، پیدا نشد. این روند، در طی دوران روی کار آمدن رضاشاه و در پی ملی شدن صنعت نفت، تأثیراتی مختصر را بر رابطه دولت و جامعه بر جای می‌گذارد» (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۵: ۴۱، ۴۶). جنبش دموکراسی خواهی در عصر

پهلوی نیز ادامه یافت و با وجود پیشرفت‌هایی که در انقلاب اسلامی و دوران جمهوری اسلامی داشته است، آن‌گونه که مدّ نظر و مطابق خواسته گروه‌هایی از مردم است، محقق نشده است. بنابراین، امروزه شاهدیم که دموکراسی‌خواهی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین جنبش‌های اجتماعی جامعه ایران مطرح است و با بهره‌گیری از فضای مجازی، دامنه اثرگذاری و فعالیت این جنبش، روز به روز در حال افزایش است. جنبش دموکراسی‌خواهی تلاش می‌کند، با تکیه بر فضای مجازی و انتشار اخبار و اطلاعات حکومت را تحت فشار قرار داده و عملکرد آن را دموکراتیک‌تر نماید. در واقع فضای مجازی، این امکان را برای جنبش دموکراسی‌خواهی فراهم آورده است تا به مثابه ابزاری نظارتی بر عملکرد حکومت، از آن استفاده نماید.

- نبش سبک‌های جدید زندگی:

سبک‌های نوین زندگی، جنبش اجتماعی نوظهوری است که تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، شیوه‌های زیست در جامعه ایران را دچار تحول می‌نماید. تغییر در شیوه پوشش، ازدواج، عادات غذایی، تعریف نقش‌ها و امثال آن؛ از جمله مسائلی است که جنبش سبک‌های نوین زندگی به دنبال دارد. «شیوه زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد؛ چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است و در عمل، نه فقط از نسل گذشته «تحویل گرفته نمی‌شود»، بلکه «پذیرفته» می‌شود. شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند؛ عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند؛ ولی این امور روزمره در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی، به طرزی بازتابی در برابر تغییرات احتمالی، باز و پذیرا هستند» (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۲۰). گرایش به سبک‌های جدید زندگی در ایران، دقیقاً نقطه مقابل تعریف حاکمیت از سبک زندگی است. سبک‌های جدید زندگی، اغلب متأثر از جهانی شدن و گسترش شیوه زندگی طبقه متوسط سفیدپوست ایالات متحده آمریکا به سایر نقاط جهان است. این سبک زندگی، با آنچه در باورهای مذهبی و تعریف رسمی از مذهب در ایران وجود دارد، متفاوت است. از این رو، گسترش سبک‌های جدید زندگی، تبدیل به چالشی جدی برای حاکمیت در ایران شده است. فضای مجازی، به‌ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام، نقشی محوری در جنبش سبک‌های جدید زندگی دارد. در واقع در دنیای امروز، این رسانه‌ها هستند که با جهت‌دهی به

تفکرات، علایق و جهان‌بینی افراد، سبک‌های زندگی را دچار تغییر می‌نمایند. کنش‌گران در فضای مجازی، با تولید محتوا، تفکرات و باورهای خود در رابطه با سبک زندگی را نشر می‌دهند و در فضای حقیقی با عمل کردن به آن‌ها، زمینه تغییر و تحولات فرهنگی را فراهم می‌سازند. سبک‌های جدید زندگی، زمانی تبدیل به جنبش اجتماعی می‌شود که در رویارویی با قرائت رسمی حاکمیت از سبک زندگی قرار می‌گیرد. نظام جمهوری اسلامی، به دلیل ماهیت الهی خود، پاسداری از چهارچوب‌های ارزشی مبتنی بر مذهب را وظیفه خویش می‌داند. بنابراین، هرگونه خروج سبک زندگی مردم از چهارچوب‌های مشخص را برنمی‌تابد و بدین صورت، تلاش برای داشتن سبک زندگی متفاوت، به جنبشی اجتماعی تبدیل می‌گردد.

- جنبش زنان:

جنبش زنان ایران، همپای تغییرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه آغاز شد. این جنبش، متأثر از بهبود جایگاه زنان در جوامع مدرن و در جهت کسب حقوق انسانی و آزادی‌های مدنی به وجود آمد. زنان در عصر قاجار، از بسیاری از حقوق ابتدایی خود محروم بودند. آشنایی با اندیشه‌های جدید، نخستین جرقه‌های جنبش زنان را در ایران ایجاد کرد و از آن زمان تا به امروز، جنبش زنان ایران، در حال مبارزه برای کسب حقوق برابر بوده است. شکل‌گیری فمینیسم در جهان نیز بر اهداف و شیوه‌های مبارزه جنبش زنان در ایران اثرگذار بوده است. «حرکت اجتماعی زنان، به عنوان یک جنبش جهانی، خود معلول عواملی؛ چون صنعتی شدن جوامع، ایجاد مشاغل صنعتی، خدماتی و اطلاعاتی بی‌نیاز از نیروی جسمانی بالاست. علاوه بر این، کاهش نرخ باروری و به تبع آن، افزایش اوقات فراغت زنان، تغییر سبک زندگی، افزایش آگاهی، شناخت حقوق بشر و تلاش برای تحقق حقوق انسانی زن، از عوامل اثرگذار در این جنبش هستند. بدین ترتیب، انتشار الگوهای خاص زندگی و گسترش اندیشه‌های فمینیستی در دنیا، زمینه‌ساز حرکت زنان سایر جوامع شده است» (لرستانی، ۱۳۸۲: ۳۹، ۳۸). جنبش زنان، متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی در دوره‌های مختلف، شرایط متفاوتی داشته است؛ از کسب حق تحصیل دختران و تأسیس تربیت معلم زنان در عصر مشروطه تا کشف حجاب اجباری در عصر رضاشاه و ورود گسترده به دانشگاه در عصر پهلوی دوم

و نقش‌آفرینی فعال در انقلاب اسلامی، از جمله مهم‌ترین مسائل تاریخچه جنبش زنان در ایران است؛ اما پس از انقلاب اسلامی، شرایط برای جنبش زنان متفاوت بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی و تصویب قوانینی؛ نظیر اجباری بودن حجاب اسلامی برای زنان و سخت‌گیری‌ها در این حوزه، بخشی از جامعه زنان، منتقد وضع موجود شدند؛ اما شرایط خاص دهه ۶۰ ه.ش، مجال چندانی برای جنبش زنان نداد. در دهه ۷۰ ه.ش و با ورود گسترده دختران متولد دهه ۵۰ و ۶۰ ه.ش به دانشگاه‌ها و افزایش سطح سواد در بین زنان، جنبش زنان هم‌زمان با سایر جنبش‌های اجتماعی اوج گرفت. گسترش تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای نیز در این باب مزید بر علت بود. در نهایت با ورود تلفن‌های همراه هوشمند و گسترش استفاده از اینترنت، جنبش زنان وارد مرحله‌ای جدید شد. این جنبش، با تکیه بر فضای مجازی، تعاریف سنتی از نقش و جایگاه زنان را در هم می‌ریزد و علیه ساختارها و قوانین مردسالار می‌تازد. تلاش برای تغییر قوانین و برابر دانستن زن و مرد در قوانین حقوقی، حق طلاق، حق حضانت فرزندان و مواردی این چنین؛ از جمله خواسته‌های جنبش زنان ایران است که برخی از آن‌ها محقق شده و برخی دیگر نیز محل تلاش زنان برای محقق ساختن است.

- جنبش عدالت خواهی:

عدالت، همواره از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری است. واقعیت آن است که جهان انسانی همواره توأم با نابرابری و بی‌عدالتی بوده است. بخشی از نابرابری‌ها، مربوط به ویژگی‌های طبیعی یا انتسابی است؛ اما بخش مهم‌تر آن که محل اصلی نزاع در جوامع است، نابرابری اجتماعی ناشی از عدم تحقق عدالت است. «به علت توزیع نابرابر امکانات که بخشی طبیعی و بخشی ناشی از دسترسی ویژه به قدرت است، همواره گروهی مسلط و گروهی محکوم در جامعه شکل گرفته‌اند. در صورتی که این گونه نابرابری‌ها توسط جامعه غیرطبیعی تلقی شوند و فاصله طبقاتی نیز بسیار زیاد باشد، سبب واکنش طبقات پایین دست می‌شوند» (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۵۹). وجود عدالت یا دست‌کم تصور وجود عدالت در جامعه، از مهم‌ترین عوامل حفظ یک نظام اجتماعی و سیاسی است. چنانچه در جامعه‌ای، افراد به این عقیده برسند که عدالتی وجود ندارد، حفظ بنیان‌های آن جامعه بسیار دشوار خواهد بود.

«رالز، در توضیح اهمیت یافتن تصورهاى مشترکى از عدالت، برای تنظیم مناسبات اجتماعى خاطر نشان مى‌سازد که افراد جامعه، دریافت‌های گوناگونی از عدالت و بی‌عدالتی دارند و توافقی میان آن‌ها وجود ندارد. تصور مشترک از عدالت است که در میان انسان‌هایی با هدف‌های گوناگون صلح مدنی ایجاد می‌کنند، بنابراین، تصور مشترکی از عدالت، آغاز یک نظم مطلوب برای جامعه انسانی است» (بشیریه، ۱۳۷۰).

از آنجایی که در اندیشه شیعه، عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. در جامعه شیعی، ایران نیز عدالت همواره عنصری مهم و مطلوب همگان بوده است. متأثر از باورهای مذهبی و خواست عمومی مردم، یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، تحقق عدالت بود؛ اما اجرای سیاست‌های نادرست در چهار دهه اخیر، موجب افزایش شکاف طبقاتی شده است. همچنین ضعف در قوانین و نظارت‌ها، موجب شکل‌گیری طبقه‌ی رانتیری شده است که به ثروت‌های کلان بادآورده‌ای دست یافته‌اند. علاوه بر جنبه‌های اقتصادی در حوزه‌هایی؛ نظیر بهداشت و درمان، آموزش و بهره‌مندی از فرصت‌های برابر نیز بی‌عدالتی‌های گسترده وجود دارد. در چنین شرایطی، جنبشی در جامعه ایران شکل گرفته است تا ضمن نشان دادن وجود بی‌عدالتی‌ها در بخش‌های مختلف، زمینه را برای تحقق عدالت فراهم سازد. این جنبش، با بهره‌گیری از فضای مجازی، ثبت و انتشار مصادیق بی‌عدالتی‌ها، اعتراض خود را نشان داده و افراد را از وجود بی‌عدالتی و حقوق پایمال شده خود آگاه می‌سازد. جنبش عدالت‌خواهی تلاش می‌کند؛ از طریق مبارزات مدنی، نارضایتی‌ها و اعتراضات خود را به گوش نظام سیاسی برساند.

۲-۳. پیشران‌های تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی

براساس تحقیقات صورت گرفته چهار جنبش دموکراسی‌خواهی، جنبش زنان، جنبش سبک‌های جدید زندگی و جنبش عدالت‌خواهی، پیشران‌های اصلی اثرگذار بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی هستند. در جدول زیر، این پیشران‌ها به همراه عدم قطعیت‌های مرتبط با آن آورده شده است.

جدول شماره (۱) پیش‌ران‌های تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر ج.ا.ا در دهه پنجم انقلاب اسلامی (منبع: نویسندگان)

پیش‌ران	عدم قطعیت
۱ جنبش دموکراسی خواهی	جنبش دموکراسی خواهی ساختار و شیوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را تغییر خواهد داد.
	جنبش دموکراسی خواهی و پیامدهای آن، به شکل مناسبی از جانب جمهوری اسلامی مدیریت خواهد شد و تغییرات مد نظر آن عملیاتی نخواهد شد.
۲ جنبش زنان	این جنبش، موجب تغییر در نظام خانواده، فرهنگ و قرائت رسمی از احکام اسلامی خواهد شد.
	جنبش زنان و پیامدهای آن در برابر نظام فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مذهبی که جمهوری اسلامی مدافع آن هاست، توان رویایی ندارد.
۳ جنبش سبک‌های جدید زندگی	این جنبش نظام اجتماعی فرهنگی ایران را تغییر داده و نظام جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش این تغییرات خواهد کرد.
	جنبش سبک‌های نوین زندگی، قادر به ایجاد تغییرات کلان و ایجاد مسئله برای نظام جمهوری اسلامی نیست.
۴ جنبش عدالت خواهی	این جنبش، موجب تقویت عدالت محوری و کاهش بی‌عدالتی‌ها در نظام جمهوری اسلامی خواهد شد.
	این جنبش، در تحقق عدالت در نظام جمهوری اسلامی توفیقی نخواهد داشت.

۳-۳. مهم‌ترین عدم قطعیت‌های مؤثر بر تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی

با توجه به مصاحبه‌هایی که با نخبگان (۱۰ نفر) حوزه مطالعات آینده، جنبش‌های اجتماعی و دغدغه‌مندان آینده ایران صورت گرفت، از میان چهار پیش‌ران مطرح شده، دو پیش‌ران بر اساس شاخصه‌های «اهمیت» و «عدم قطعیت» بالاتر، حائز اهمیت بیشتری در شکل‌دهی به آینده و اثرگذاری

بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی شناخته شدند. جنبش دموکراسی خواهی و جنبش سبک‌های جدید زندگی، دو پیشران مد نظر هستند.

۱-۳-۳. جنبش دموکراسی خواهی:

دموکراسی خواهی، به عنوان یک جنبش اجتماعی که امروزه خاصیتی مشابه با جنبش‌های نوظهور اجتماعی در جامعه ایران یافته است، عنصری کلیدی در تغییرات آینده جامعه ایران است. این جنبش، با خواسته‌های خود در برابر قرائت رسمی حاکمیت از دموکراسی قرار گرفته و در صدد است، مطابق با تعاریف علمی دموکراسی در ساختار حکومت و شیوه حکمرانی، تغییراتی ایجاد نماید. در مقابل، نظام جمهوری اسلامی، با تکیه بر مفهوم مردم‌سالاری دینی و تعاریف خاص از دموکراسی، به مقابله با این جنبش می‌پردازد. بنابراین، در این کشاکش، با عدم قطعیت‌هایی مواجه هستیم که غالب گشتن هر کدام، شرایط متفاوتی پیش روی جامعه ایران قرار خواهد داد. در جدول زیر، به این عدم قطعیت‌ها پرداخته شده است.

جدول شماره (۲) مهم‌ترین عدم قطعیت‌های مرتبط با جنبش دموکراسی خواهی (منبع: نویسندگان)

پیشران	عدم قطعیت
جنبش دموکراسی خواهی	آیا این جنبش، ساختار و شیوه حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی را تغییر خواهد داد؟
	آیا نظام جمهوری اسلامی، خواهد توانست با جنبش دموکراسی خواهی مقابله نموده و پیامدهای آن را به نحو مطلوب مدیریت نماید؟

۲-۳-۳. جنبش سبک‌های جدید زندگی:

جنبش سبک‌های جدید زندگی، به دلیل تأثیرات عمیقی که در تغییرات و تحولات فرهنگی دارد؛ از جمله پیشران‌های مد نظر نخبگان در مصاحبه‌های صورت گرفته بود. این جنبش، سبک زندگی بسیار متفاوتی با سبک زندگی مطلوب نظام جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند و تأثیرات اجتماعی مهمی نیز تا به امروز از خود بر جای نهاده است. مسائل کلیدی حائز اهمیت

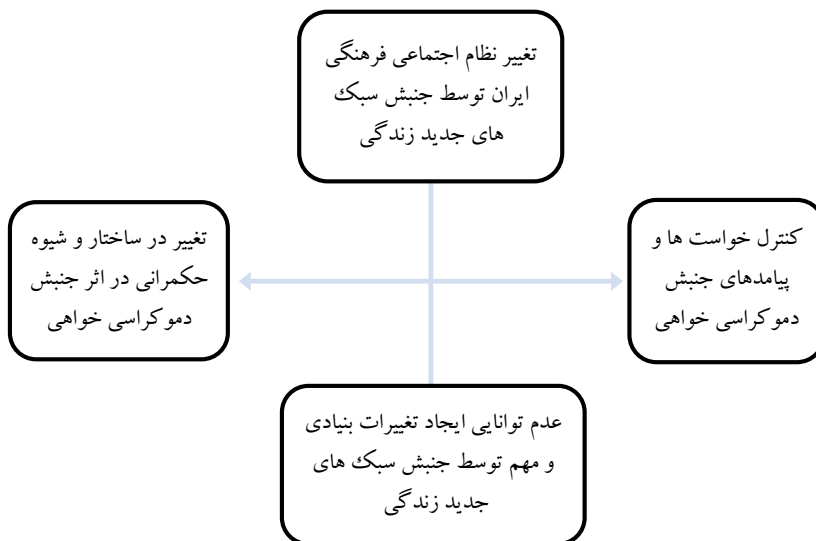
در تأثیر جنبش سبک‌های جدید زندگی بر جمهوری اسلامی ایران، در دهه پنجم انقلاب اسلامی عبارت‌انداز:

جدول شماره (۳) مهم‌ترین عدم قطعیت‌های مرتبط با جنبش سبک‌های جدید زندگی (منبع: نویسندگان)

پیشران	عدم قطعیت
جنبش سبک‌های جدید زندگی	آیا جنبش سبک‌های جدید زندگی، موفق به ایجاد تغییر در نظام اجتماعی و فرهنگی ایران خواهد شد؟
	آیا جمهوری اسلامی، خواهد توانست این جنبش را مدیریت کرده و از نظام اجتماعی و فرهنگی مطلوب خود دفاع نماید؟

۴. سناریوهای پیش‌روی جنبش‌های نوظهور مؤثر بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی

با توجه به عدم قطعیت‌های مطرح شده برای دو پیشران در تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی، ماتریس زیر را برای تدوین سناریوها می‌توان ترسیم نمود.



شکل شماره (۱) ماتریس عدم قطعیت‌ها (منبع: نویسندگان)

با توجه به ماتریس بالا، چهارچوب منطقی سناریوها به شرح زیر است:

جدول شماره (۴) چهارچوب منطقی سناریوها (منبع: نویسندگان)

سناریوها	عدم قطعیت‌ها
سناریو اول	تغییر در ساختار و شیوة حکمرانی در اثر جنبش دموکراسی خواهی.
سناریو دوم	کنترل و مدیریت خواسته‌ها و پیامدهای جنبش دموکراسی خواهی توسط نظام جمهوری اسلامی.
سناریو سوم	تغییر نظام اجتماعی فرهنگی ایران در اثر جنبش سبک‌های نوین زندگی.
سناریو چهارم	عدم توانایی ایجاد تغییرات مهم و بنیادی توسط جنبش سبک‌های نوین زندگی.

بر اساس جدول بالا و عدم قطعیت‌هایی که دربارهٔ دو جنبش نوظهور دموکراسی خواهی و سبک‌های جدید زندگی مطرح است، چهار سناریو در رابطه با تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی قابل طرح است:

۱-۴. سناریوی اول: تغییر در ساختار و شیوة حکمرانی در اثر جنبش دموکراسی خواهی

بر اساس این سناریو، جنبش دموکراسی خواهی، با گسترش دامنه فعالیت خود در فضای مجازی، اهداف و برنامه‌های خود را بیش از پیش ترویج خواهد کرد و از این طریق، دامنه تأثیرات خود را افزایش داده و بر جهت‌گیری‌ها و کنش‌های سیاسی، بخش قابل توجهی از افراد جامعه تأثیر خواهد گذاشت. این جنبش، کنش‌های سیاسی مردم را در چهارچوب تحریم انتخابات، مشارکت در انتخابات برای به قدرت رساندن فرد یا جریان حامی این جنبش، فعالیت‌های حزبی و دانشجویی و حتی به اشکالی غیرمسالمت‌آمیز؛ نظیر اعتراضات خیابانی، سازمان‌دهی خواهد کرد. فضای مجازی، میدان اصلی عمل برای این جنبش است و با توجه به گسترش روزافزون کمی و کیفی این فضا، در آینده شاهد افزایش فعالیت‌ها و دامنه اثرگذاری این جنبش خواهیم بود. با توجه به این که این جنبش، برخاسته از درون جامعه و نماینده بخشی از جامعه است، به دلیل فراگیر و مردمی بودن، قدرت اثرگذاری بالایی دارد و در نهایت جمهوری اسلامی را وادار خواهد کرد، به اصلاحات مد نظر این جنبش تن دهد. تن دادن به خواسته‌های جنبش دموکراسی خواهی، مساوی با فاصله یافتن از باورهای مذهبی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نزدیکی به سبک دموکراسی غربی خواهد بود.

۲-۴. سناریوی دوم: کنترل و مدیریت خواسته‌ها و پیامدهای جنبش دموکراسی‌خواهی توسط نظام جمهوری اسلامی

بر اساس این سناریو، خواسته‌ها و اقدامات جنبش دموکراسی‌خواهی از سوی نظام جمهوری اسلامی، به نحو مطلوبی مدیریت خواهد شد. لازمه این مهم، انجام اصلاحات در لایه‌های سطحی نظام برای افزایش کارآمدی و نیز افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی است که بر اساس این سناریو، این اقدامات صورت خواهد پذیرفت و آن دسته از خواسته‌های جنبش دموکراسی‌خواهی که با بنیان‌های ارزشی و اعتقادی در تضاد نباشند، پذیرفته خواهد شد. در این سناریو، فرض بر این است که نظام جمهوری اسلامی، خود اصلاح‌گری را سرلوحه کار قرار خواهد داد. این خود اصلاح‌گری، نتایج مثبتی برای نظام و انقلاب اسلامی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله این که امید و اعتماد مردم را به نظام جمهوری اسلامی جلب خواهد کرد و مردم احساس خواهند کرد که این نظام سیاسی، متعلق به آن‌هاست و گوش شنوایی برای شنیدن خواسته‌های آنان دارد و مردم، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در امور کشور و سرنوشت اجتماعی خود دارند. همچنین، دومین پیامد مثبت این اقدام، افزایش امیدواری مردم به اصلاح‌پذیری نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف خواهد بود و مردم به جای گرایش به اقدامات خشن و انقلابی، برای بهبود امور، به روش‌های مسالمت‌آمیز مدنی روی خواهند آورد. سومین پیامد مثبت، بهبود سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی و افزایش اعتماد به آن و درنهایت کاهش شکاف میان حاکمیت و مردم خواهد بود که نتایجی همچون افزایش هم‌بستگی اجتماعی و کاهش آسیب‌پذیری امنیتی را در پی خواهد داشت.

۳-۴. سناریوی سوم: تغییر نظام اجتماعی فرهنگی ایران، در اثر جنبش سبک‌های جدید زندگی

جنبش سبک‌های جدید زندگی، نظام فرهنگی و اجتماعی ایران را دستخوش تحولات مهمی خواهد کرد و فرهنگ ایرانی - اسلامی، نه تنها در لایه‌های سطحی؛ بلکه در لایه‌های عمیق و بنیادین خود متحول خواهد شد. با توجه به این که عمده منابع الهام‌بخش در جنبش سبک‌های جدید زندگی، غربی و به‌ویژه آمریکایی هستند. این سناریو، بر هرچه بیشتر غربی شدن و فاصله گرفتن از آرمان انقلاب اسلامی، مبنی بر بازگشت به خویش‌شن حقیقی و تاریخی ملت ایران اشاره دارد. براساس این سناریو، نظام جمهوری اسلامی، در تحقق اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی ناتوان خواهد بود و برنامه‌های

فرهنگی آن در برابر روند فزاینده جهانی شدن، کارساز نخواهد بود. در عرصه بین‌المللی، افزایش روزافزون کیفیت و کمیت ابزارهای رسانه‌ای، به‌ویژه اینترنت و فضای مجازی، به تسریع هرچه بیشتر جهانی شدن فرهنگی خواهد انجامید و در چنین شرایطی، فرهنگ‌های بومی و محلی که توان حفظ موجودیت و بنیادهای خویش را نداشته باشند، ناگزیر در جامعه جهانی ادغام خواهند شد. این امر، بیش از پیش، تحولات فرهنگی در ایران را شتاب خواهد بخشید. تغییر در نظام فرهنگی، موجب تضعیف بنیادهای نظری و اعتقادی انقلاب اسلامی و تکیه‌گاه فرهنگی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی خواهد شد، همچنین روز به روز بر تعارض و شکاف میان حکومت و مردم خواهد افزود؛ چرا که حکومت، خود را مجری احکام مذهبی می‌داند و سبک زندگی خاصی را مطلوب دانسته و ترویج می‌کند. در چنین شرایطی که میان مطلوب‌های مردم و حکومت تناسب وجود ندارد، ممکن است، حکومت دست به اقداماتی سلبی، خشن و سرکوب‌گرانه بزند و شاید در کوتاه‌مدت بتواند برخی مظاهر جنبش سبک‌های جدید زندگی را محدود سازد؛ اما در بلندمدت به تضعیف مشروعیت و پشتوانه مردمی نظام دامن خواهد زد.

۴-۴. سناریوی چهارم: عدم توانایی ایجاد تغییرات مهم و بنیادی توسط جنبش سبک‌های جدید زندگی

در این سناریو، با توجه به در نظر گرفتن فرهنگ غنی اسلامی ایرانی، به‌عنوان یک فرهنگ بزرگ و با ریشه‌های اعتقادی و ارزشی بسیار ژرف، فرض اساسی این است که جنبش سبک‌های جدید زندگی، بالذات توانایی ایجاد تغییر و تحول در لایه‌های عمیق و بنیادین این فرهنگ را ندارد و حیطه تأثیرگذاری فرهنگی آن، از حیطه لایه‌های سطحی فرهنگ اسلامی ایرانی فراتر نمی‌رود. بر اساس این سناریو، همان‌گونه که فرهنگ اسلامی ایرانی در طول تاریخ با وجود اثرپذیری‌های سطحی، فرهنگ‌های مهاجم را در خود جذب و هضم نموده است، در رویارویی با فرهنگ غرب نیز چنین خواهد کرد. باورمندی ایرانیان به اسلام و تشیع، عنصری بسیار مهم در این مقاومت فرهنگی است؛ به‌نحوی که بنیادهای فکری و شاکله الهی اسلام، سد محکمی در برابر فرهنگ دنیوی غرب ایجاد می‌نماید. نظام جمهوری اسلامی، با تکیه بر داشته‌های فرهنگی خود و یک برنامه‌ریزی عملیاتی

منسجم، خواهد توانست از سبک زندگی مطلوب خود دفاع کرده و با اقتناع افکار عمومی، عناصر فرهنگی خود را ترویج داده و مبانی فرهنگی خویش را حفظ نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش صورت گرفته، جنبش‌های اجتماعی دموکراسی‌خواهی، زنان، سبک‌های جدید زندگی و عدالت‌خواهی؛ از جمله مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی جامعه ایران‌اند. بسیاری از این جنبش‌ها، ذیل جنبش‌های کلاسیک یا نوین نیز دسته‌بندی می‌شوند؛ اما در این پژوهش، به‌عنوان جنبشی نوظهور در نظر گرفته شده‌اند؛ چرا که جنبش‌های نوظهور، آن دسته از جنبش‌ها هستند که عمده فعالیت و کنش‌گری آن‌ها در فضای مجازی صورت می‌گیرد. این جنبش‌ها، مربوط به دهه‌های اخیرند که اینترنت، در نقاط مختلف جهان و ایران گسترش فراوانی یافته و تلفن‌های هوشمند متصل به اینترنت، زندگی بشر را متحول ساخته است. جنبش‌های نوظهور، حاصل بغض‌های فروخورده مردمی هستند که در فضای حقیقی، امکان کنش‌گری فعال برای مطالبه خواسته‌های خود نداشتند؛ بنابراین به فضای مجازی پناه برده‌اند که امکان کنترل کمتری بر آن وجود دارد. نکته حائز اهمیت درباره جنبش‌های نوظهور جامعه ایران، تغییر شکل و ماهیت جنبش‌های نوین به نوظهور است. از آنجا که برخی از جنبش‌های اجتماعی در ایران، با وجود این که سال‌ها از آغاز فعالیت آن‌ها می‌گذرد، همچنان به اهداف نهایی خود نائل نشده‌اند؛ با توجه به شرایط زمانی و گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، نحوه کنش‌گری خود را تغییر داده و ماهیتی به مانند جنبش‌های نوظهور یافته‌اند. از این رو، در این پژوهش، جنبش‌هایی؛ نظیر دموکراسی‌خواهی، زنان و عدالت‌طلبی ذیل جنبش‌های نوظهور تعریف گردیده است.

از میان چهار جنبش نوظهور دموکراسی‌خواهی، زنان، سبک‌های جدید زندگی و عدالت‌طلبی، دو جنبش دموکراسی‌خواهی و سبک‌های جدید زندگی، از دیدگاه نخبگان مصاحبه‌شونده حائز اهمیت بالاتری در تأثیرگذاری بر آینده جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی هستند. از این رو، این دو جنبش به‌عنوان پیشران‌های اصلی در تدوین سناریوها در نظر گرفته شدند و با شناسایی عدم قطعیت‌ها، چهار سناریو برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش تدوین شد.

سؤال اصلی در این پژوهش، این بود که جنبش‌های نوظهور چه تأثیراتی بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی خواهند داشت؟ مطابق یافته‌ها، جنبش‌های نوظهور، در مرحله اول

جمهوری اسلامی را وادار به واکنش خواهند ساخت. این جنبش‌ها، به دلیل تأثیرات عمیقی که بر بنیان‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دارند و حتی تهدیدی برای موجودیت آن‌ها هستند، قابل چشم‌پوشی نیست و جمهوری اسلامی ناگزیر است، در قبال آن موضع داشته باشد؛ اما این که این مواضع تا چه میزان در کنترل پیامدهای این جنبش‌ها موثر باشد، بستگی به کیفیت مواجهه با آن‌ها دارد. به طور کلی، با توجه به عدم قطعیت‌های موجود می‌توان گفت؛ در صورت مواجهه عقلانی و عملکرد منطقی، جمهوری اسلامی خواهد توانست، پیامدهای منفی این جنبش‌ها را مدیریت کرده و از جنبه‌های مثبت آن‌ها در جهت بهبود حکمرانی بهره‌برد؛ اما در صورتی که برخوردها با این جنبش‌ها، تهی از عقلانیت و نادرست باشد، ناگزیر این جنبش‌ها بیش از پیش تقویت شده، دامنه پیروان خود را افزایش داده و در نهایت خواسته‌های خود را به شکلی رادیکال تحمیل خواهند کرد. درباره تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی، چهار سناریو مطرح است که با توجه به شناسایی مهم‌ترین پیشران‌ها، از میان جنبش‌های اجتماعی نوظهور و عدم قطعیت‌های آن‌ها به دست آمده است. سناریوی نخست که ناظر بر جنبش دموکراسی خواهی است، تغییر در ساختار و شیوه حکمرانی در اثر جنبش دموکراسی خواهی را برای تحولات دهه پیش رو مد نظر دارد. سناریوی دوم؛ مطابق عدم قطعیت‌های موجود در رابطه با چگونگی رویارویی جمهوری اسلامی با جنبش دموکراسی خواهی، بر کنترل و مدیریت خواسته‌ها و پیامدهای جنبش دموکراسی خواهی توسط نظام جمهوری اسلامی اشاره دارد. سومین سناریو، در رابطه با جنبش سبک‌های جدید زندگی، تغییر نظام اجتماعی و فرهنگی ایران را در اثر جنبش سبک‌های جدید زندگی محتمل می‌داند و سناریوی چهارم؛ با تکیه بر وجود عناصر فرهنگی سترگ و ژرفی که در جامعه ایران وجود دارد، بر عدم توانایی ایجاد تغییرات مهم و بنیادی توسط جنبش سبک‌های جدید زندگی می‌پردازد.

منابع و مأخذ

بشیریه، حسین (۱۳۷۰). *فلسفه سیاسی جان رالز*. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (۱۱۰)، ۳۹-۳۵.

پور ولی اصل قریبه، سعید. (۱۴۰۱). *تأثیرات جنبش‌های نوظهور بر جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه شاهد.

جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد*. چاپ اول. تهران: انتشارات طرح نو.

جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۱). *لایه‌های جنبشی جامعه ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی*. نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی، (۲۸)، ۸۸-۳۵.

خدایی، سعید، الهی دهقی، ایرج (۱۳۹۱). عوامل موفقیت در آینده‌نگاری ملی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات آینده‌پژوهی (۲)، ۲۸-۵.

رهبری، مهدی (۱۳۹۳). *جنبش‌های اجتماعی: کلاسیک/مدرن/پست مدرن*. چاپ اول. تهران: انتشارات کویر. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). *اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)*. مجله پژوهش‌های ارتباطی، ۶۰، ۱۷۶-۱۵۱.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۳). *تحلیلی بر چهارچوب مطالعات آینده انقلاب اسلامی ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.

عیوضی، محمدرحیم، میرحسینی، فرشته (۱۳۹۸). سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۸۳، ۱۶۹-۱۴۳.

غلامرضا کاشی، محمدرضا (۱۳۸۵). *نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات گام نو.

قاسمی، علی اصغر (۱۳۹۰). *جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران*. مجله پژوهش سیاست نظری، ۱۰، ۱۰۸-۸۷.

کوهن، تامس (۱۳۷۳). *ساختار انقلاب‌های علمی*. چاپ اول. مترجم احمد آرام. تهران: انتشارات سروش.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). *تجدد و تشخیص*. چاپ نهم. مترجم ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

لرستانی، فریبرز (۱۳۸۲). *جنبش اجتماعی زنان ایران*. مجله زن در توسعه و سیاست، ۶۰، ۴۲-۲۳.

مظهرنیا، مهدی (۱۳۹۴). *آینده رسانه‌ها و نقش آن‌ها در جنبش‌های نوین اجتماعی*، رساله دکتری تخصصی، گروه آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.

References

- Kietzermann, Jan: Kristopher Hermkens. (2011). "Social media? *Get serious! Understanding the function bulding blocks of social media*". Business Horizons 54:241-251.
- King, Wendell (1986), *Social Movments in United states* New York: Hose.
- Persian resources
- Bashirieh, Hossein (1991), *John Rawls' Political Philosophy*, Journal of Political-Economic Information, No. 110.35-39 (In Persian)
- Pourvali, Saeed (1401), *The Impact of Emerging Movements on the Islamic Republic of Iran in the Fifth Decade of the Islamic Revolution*, Thesis for the Master's Degree, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Tehran, Shahed University. (In Persian)
- Jalaeipour, Hamidreza (2002), *Sociology of Social Movements with Emphasis on the Reform Movement of the 2nd of Khordad*, Tarh-e No Publications, Tehran, First Edition. (In Persian)
- Jalaeipour, Hamidreza (2012), *The kinetic layers of Iranian society; corrective 2d Khordad Movements and Ten Social Micro Movements*, Journal of Political Science Research, No. 28. 35-88. (In Persian)
- Rahbari, Mehdi (2014), *Social Movements: Classic / Modern / Postmodern*, Kavir Publications, Tehran, First Edition. (In Persian)
- Sardarnia, Khalilullah (2009), *Internet, New Social Movements and Protest Basij (A Theoretical and Exemplary Study of Several Social Movements)*, Journal of Communication Research, No. 60.151-176. (In Persian)
- Eyvazi, Mohammad Rahim (2014), *An Analysis of the Framework of Future Studies of the Islamic Revolution of Iran*, Aftab Tose'e Publications, Tehran, First Edition. (In Persian)
- Eyvazi, Mohammad Rahim and Fereshteh Mir Hosseini (1398), *Future scenarios of the geopolitical position of the Islamic Republic of Iran in the regional power system of West Asia untill 1410*, Quarterly Journal of Basij Strategic Studies, No. 83.143-169. (In Persian)
- Gholamreza Kashi, Mohammadreza (2006), *The Order and Evolution of the Speech of Democracy in Iran*, Game No Publications, Tehran, First Edition. (In Persian)

- Ghasemi, Ali Asghar (2011), *Globalization of Social Movements and Democracy in Iran*, Journal of Theoretical Policy Research, No. 10.87-108. (In Persian)
- Cohen, Thomas (1373), *The Structure of Scientific Revolutions*, translated by Ahmad Aram, Soroush Publications, Tehran, first edition. (In Persian)
- Giddens, Anthony (2014), *Modernity and Personalization*, translated by Nasser Mofaghian, Ney Publishing, Tehran, ninth edition. (In Persian)
- Lorestani, Fariborz (2003), *Iranian Women's Social Movement*, Journal of Women in Development and Politics, No. 60.23-42. (In Persian)
- Motaharnia, Mehdi (2015), *The Future of Media and Their Role in New Social Movements*, Thesis for Doctorate, Department of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin. (In Persian)